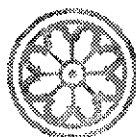


قرآن پژوهی در مسیحیت

بررسی و معرفی سلسله کتاب‌های دروس قرآنی

سید محمد علی ابطحی



آنچه در این مقاله آمده است، گزارشی است از مجموعه ای درباره قرآن کریم، به خامه یکی از محققان مسیحی لبنانی تبار. «بینات» با تأکید بر نتیجه ای که نگارنده مقاله در پایان آورده است نشر آن را برای اطلاع محققان علوم قرآنی از چگونگی پژوهش های قرآنی در محیط های علمی دیگر سودمند دانست.

در شماره ای دیگر به معرفی کتابی در نقد این مجموعه خواهیم پرداخت.

بینات



تحقیق در علوم قرآنی و پژوهش در معارف آن توسط محققان و متفکران مسیحی دارای سابقه ای نسبتاً دراز است.

جمعی از معروف ترین آنان خاورشناسانی بوده اند که بنا به طبیعت مطالعه فرهنگ شرقی و اسلامی، باید به قرآن کتاب آسمانی مسلمانان توجه می کردند و از این رهگذر پژوهش هایی درباره قرآن انجام می دادند. گروه دیگر متفکرانی بوده اند که اسلام شناسی یا دین شناسی رشته تخصصی شان بوده و به این دلیل به قرآن، به عنوان کتاب مقدس توجه و درباره آن بررسی کرده اند. اما بررسی معارف قرآنی توسط روحانیان رسمی کلیسا با هدف تقریب ادیان الهی و توجه به جوهر ادیان، کار پرارزش تری است که به ندرت پدران کلیسایی بدان پرداخته اند.

اعتراف پیروان دینی که قبل از اسلام بوده است، به تقدس قرآن و اسلام که ظهور اسلام یا به معنای نسخ آن و یا لا اقل به دلیل تکمیل آن صورت پذیرفته، کار درخور ستایشی است که بعضی از رهبران محقق دینی کلیسایی به آن مبادرت ورزیده اند.

اگرچه تحقیقات عمده علوم قرآنی توسط محققان مسیحی در اروپا و آمریکا بوده است، ولی متفکران و روحانیان مسیحی شرقی و عربی که در مسایل اسلامی و قرآنی اظهار نظر کرده اند، موفق شده اند نظرات عمیق تری ارائه کنند، زیرا آنان اسلام و حقایق اسلامی را از نزدیک دیده اند و در فضای فرهنگ اسلامی به حقایق آن نگریسته اند و از بسیاری ذهنیت گرای‌های اروپایی دور بوده اند.

یکی از محققان و اندیشمندان تلاشگر مسیحی در علوم قرآنی، پدر یوسف درّه الحداد نام دارد که انصافاً تمام عمر مفید خود را صرف تحقیقات قرآنی کرده است و حاصل آن را در چندین جلد کتاب علوم قرآنی به جامعه مسلمان و مسیحی تقدیم داشته است. پدر یوسف درّه الحداد، در سال ۱۹۱۳ در یکی از روستاهای قدس به دنیا آمد. از همان ابتدا به دلیل علایق مذهبی و دینی، به فراگیری علوم دینی مسیحی مشغول شد.

پس از فارغ التحصیل شدن از دانشکده تبشیری قدیسه حنه در قدس، در سال ۱۹۳۹ میلادی به مقام کاهنی رسید و در منطقه حمص (در سوریه) و بعلبک لبنان به مدت ۵ سال به کار تبلیغ و تبشیر دین مسیح مشغول بود.

از ابتدای تحصیل به فراگیری علوم قرآنی و مطالعه معارف آن علاقه مند بود و به دلیل فعالیت در منطقه مسلمان نشین حمص و بعلبک، آشنایی بیش تری با حقیقت اسلام پیدا کرد و معتقد شد که جوهر ادیان الهی، جوهر واحدی است و باید در جهت آشنایی عمیق فکری ادیان با یکدیگر مطالعات فراوانی انجام داد.

در همان ایام، مصطفی مراغی رییس سابق مجلس شیوخ مصر بیانیه ای داد و از متدینان به ادیان الهی خواست تا با شناخت یکدیگر در ساختن تمدن دینی آینده که مبتنی بر اندیشه الهی باشد شریک شوند.

پدر یوسف الحداد، به گفته خودش، این دعوت را پاسخ داد و با اخلاص و بی طرفی کامل تحقیقات وسیع خود را آغاز کرد. دوران تحقیقات او ۲۰ سال به درازا کشید. در طول این مدت تنها به مطالعه و تحقیق و نویسندگی مشغول بود. پس از آن ۳ دوره کتاب به جامعه فرهنگی و فکری مسلمان و مسیحی تقدیم کرد.

اولین مجموعه اش «دروس قرآنی» نام دارد که در چهار جلد و در ۲۰۲۲ صفحه و زیری انتشار یافته است.

مجموعه دوم وی «فی سبیل الحوار الاسلامی-المسیحی» نام دارد. این مجموعه در ۶ جلد نوشته شده است و تاکنون ۲ جلد از آن انتشار یافته است و ۴ جلد آن به صورت مخطوط باقی مانده است.

سومین مجموعه استاد یوسف الحداد «دراسات انجیلیه (مصادر الوحي الانجیلی)» نام دارد که این مجموعه در ۹ جلد نوشته شده و تنها ۴ جلد آن انتشار یافته است.

معرفی سلسله دروس قرآنیه ۱. انجیل فی القرآن

جلد اول مجموعه کتاب های دروس قرآنیه «الانجیل فی القرآن» نام دارد که در ۳ بخش سامان یافته است. در مقدمه کتاب، نویسنده آورده است:

آنچه در قرآن کریم از مسیح و انجیل و نصاری ذکر شده، باعث افتخار مسلمانان و مسیحیان است. ضروری است تا همه مؤمنان به خدا و روز قیامت از آن مطلع باشند. این همان حقیقتی است که قصد داشته ام به فرزندان مشرق عربی منتقل کنم، زیرا در این منطقه مسلمانان و مسیحیان در کنار یکدیگر زندگی می کنند و برای بقای کیان عربی و ملی باید هر دو طایفه، کتاب مقدس یکدیگر را بشناسند تا به یکدیگر نزدیک شوند. بدون آن که مسیحیان را به اسلام دعوت کنم و یا مسلمانان را به مسیحیت.

بخش اول کتاب، «القرآن والکتاب» نام دارد. عناوین مباحث این بخش عبارت اند از: دیدگاه قرآن در مورد ادیان؛ نظر مشترک قرآن و کتاب مقدس در مورد توحید؛ آیا قرآن، انجیل و تورات را نسخ کرده است؛ شهادت قرآن به صحت کتاب مقدس در دوران خودش؛ اعتقاد قرآن به تحریف انجیل؛ محال بودن تحریف هر یک از کتاب های مقدس؛ ارزش کتاب های مقدس و خصوصاً انجیل در قرآن و موضع قرآن در برابر اهل کتاب.

روح بحث مؤلف در این قسمت، یکی اعتراف قرآن به قداست کتاب های مقدس و دیگری حرمت گذاری و اهمیت قرآن به کتاب های مقدس و خصوصاً انجیل است که همه آیات قرآنی درباره انجیل، کتاب مقدس و اهل کتاب را بررسی و بدان توجه کرده است.

مشکل ترین بحث وی در این قسمت بحث تحریف است. وی همه آیاتی را که به نوعی به تحریف و یا کتمان حقایق در انجیل اشاره دارند، جمع آوری کرده و به دو شکل به پاسخ آن پرداخته است: یکی آن که معتقد است همه آیات تحریف کتب مقدس مدنی است و به این دلیل بحث تحریف قدیمی نیست و تنها در مدینه است که این بحث مطرح شده است و آن هم به دلیل برخوردهای یهودیان با اسلام بوده است که آن را مستند به تورات می کرده اند و منظور از تحریف کتب مقدس، تحریف در تورات است نه انجیل. در قسمت دوم، به آیات یک به یک توجه کرده و برای هر یک از آن ها توجیهی ارائه داده است. این توجیهات گواهی که غالباً ناموجه

به نظر می‌رسد، اما به لحاظ آگاهی از چگونگی نگاه متفکری مسیحی به مسأله، قابل توجه است. بخش دوم کتاب «الانجیل فی القرآن» تحت عنوان «مریم ام‌المسیح فی القرآن» است. در این بخش مؤلف ابتدا نصوص قرآنی درباره حضرت مریم را فهرست کرده و در انتها از آن استفاده کرده است که بنا به اعتقاد قرآن، مریم عذرا از شش جهت نشانه خداوند است: نشانه در اصطفاء، در تولد، در طفولیت و جوانی، در معجزه باردار شدن، در تولد مسیح، در همراهی با فرزندش مسیح در کودکی و در زندگی و شخصیت او.

بخش سوم کتاب درباره حضرت مسیح در قرآن است. در این بخش نیز مانند بخش پیشین، نخست نصوص قرآنی ذکر شده است و پس از آن به تحلیل پرداخته است. در ابتدای تحلیل نصوص مؤلف می‌گوید:

زیباترین تصویری که از مسیح امکان دارد ترسیم گردد در قرآن وجود دارد. مسیح در قرآن به حدی با صفات متعالی یاد شده که از همه پیامبران برتر است و از حد انسان عادی، بالاتر و لنجعله آیه للناس ورحمة مناً (مریم/۱۹/۲۱).

مؤلف سپس به آیات قرآنی درباره عیسی در این بخش‌ها توجه کرده است: عیسی در ولادت، نوجوانی؛ رسالت و آخرت که نسبت به هریک از این عناوین، مباحث گسترده‌ای آمده است و شواهدی نیز از انجیل به آن اضافه شده است.

سه بحث مستقل دیگر در پایان کتاب «الانجیل فی القرآن» آمده است: ۱. الوهیت مسیح در قرآن. این بحث به نظر مؤلف نقطه اختلاف اساسی اسلام و مسیحیت است. اما او اعتقاد دارد این اختلافی ظاهری است نه حقیقی و جوهری. زیرا الوهیتی که قرآن آن را رد می‌کند، الوهیتی نیست که در انجیل به مسیح نسبت داده شده است و تثلیث مسیحی نیز تثلیثی نیست که در قرآن آمده است. القابی که قرآن برای حضرت مسیح ذکر می‌کند بیشتر به خالق بودن نزدیک است تا به مخلوق بودن.

به همین مناسبت بحث مهم و قابل توجهی دارد که به تفصیل، به بحث تثلیث و القاب الهی مسیح در قرآن پرداخته است و آن را از یک سو با بعضی اعتقادات اسلامی مانند وحدت وجود مقایسه می‌کند و از سوی دیگر در بعضی از آیات انجیل دقت کرده و توجیه لغوی برای آن‌ها آورده است.

در پایان این کتاب فصلی تحت عنوان موضع اهل انجیل درباره قرآن و پیامبر اسلام نوشته که در آن آیات انجیل درباره قرآن و پیامبر و تاریخ احترام مسیحیت به اسلام و حضرت محمد ﷺ در ابتدای بعثت را آورده و با بحث دیگری تحت عنوان موضع قرآن درباره انجیل و حضرت مسیح، نظر پراحترام قرآن نسبت به آنان را جمع بندی کرده است.

۲. بیئة القرآن الکتابیة

بیئة القرآن الکتابیة در ۲۸۴ صفحه و ۱۲ فصل، جلد دوم از سلسله کتاب های درس قرآنیة است.

حداد در این کتاب ابتدا تاریخ محیط نزول قرآن را بحث کرده است. کتاب برای به دست آوردن وضعیت تاریخ قرآن و مسیر حوادث آن با بخشی تحت عنوان ادیان موجود در شبه جزیره عربی به هنگام بعثت پیامبر بحث را آغاز می کند. در فصل اول پس از اشاره به وضعیت اقتصادی و منطقه سوق الجیشی شبه جزیره به عنوان منطقه ترانزیت بین شرق و غرب و شمال و جنوب، توحید توراتی در جزیره العرب و حجاز را بررسی می کند و تاریخ یهود و وضعیت آنان به هنگام بعثت را شرح می دهد و معتقد است کسان بسیاری بر دین سالم حضرت موسی باقی مانده بودند که به توحید توراتی اعتقاد داشتند.

فصل دوم به نصاری در دیار عرب اختصاص یافته است که در آن شروع نصرانیت و رشد آن در جامعه عرب را بررسی کرده و در بحث جداگانه به تاریخچه نصاری عرب در نزد غساسنه، در حیره نزد لخمیان، در جنوب جزیره العرب، یمن، حجاز، مکه و مدینه اشاره دارد. غسان پادشاه رومی بوده است که در منطقه ای از دمشق تا اواسط شمال جزیره العرب در اواخر قرن سوم میلادی دولت نصرانی تأسیس کرده بود و غساسنه نام نصاری دوران اوست. نصاری لخمی نیز توابع پادشاه دیگری از آل لخم است که در شمال شبه جزیره عربی حکومت ایجاد کرده بودند. آنان معاصر ساسانیان در سال ۲۲۶ میلادی بودند.

فصل سوم تاریخچه بت پرستی حجاز است. وی در این فصل اعتقاد دارد اعراب به هنگام ظهور اسلام در لفظ بت پرست و در معنا توحیدی بوده اند، زیرا بت پرستی از بیرون جامعه عربی وارد شده بود و این که قرآن نام الله و رحمان و رحیم را که نام بت های اعراب بوده است، برای خدا پذیرفته، دلیل آن است که جامعه عربی توحیدی بوده اند.

در فصل چهارم که به شرک عرب در قرآن پرداخته، شبیه فصل سوم استدلال کرده است. در فصل پنجم به شعر جاهلیت به تفصیل پرداخته است و معتقد است روح اشعار جاهلی به توحید نزدیک تر است تا به شرک.

فصل ششم بحث تاریخی قابل توجهی است. در این فصل دعوات توحیدی مستقل را که قبل از اسلام در جامعه عربی بوده است، فهرست کرده و تاریخچه هریک از آنان را آورده است. فهرست این دعوات های توحیدی عبارت اند از: عبادت «رب السماوات» در یمن؛ عبادت «رحمان» در یمن، یمامه و حجاز؛ عبادت «الله» در مکه و حجاز؛ عبادت «الرحیم» در نزد

عرب شمال؛ عبادت «رب البیت» در کعبه؛ عبادت «رب العالمین» در تدمر و عبادت «الله اکبر» در جوامع سامی، ارمنی و عربی.

فصل هفتم کتاب «القرآن والکتاب»، (دومین جلد از سری دروس قرآنیّه نوشته پدر یوسف درّه الحداد مسیحی) تاریخچه مصلحان موحد عرب قبل از اسلام را ذکر کرده که در آن تاریخ، به حکیمان، شاعران، مصلحان و پیامبران موحد عرب اشارت رفته است.

یک فصل مستقل (فصل هشتم) به حرکت حنیفیت اختصاص یافته است. او معتقد است آنان دارای جریانی توحیدی بوده اند که در حجاز و مکه قبل از اسلام قدرت داشته اند و به نصارا گرایش. اسلام نیز در قرآن به آنان توجه کرده است که رابطه اسلام و حنیفیت فصل نهم کتاب را تشکیل می دهد و نام گذاری حنیفیت در مدینه به نام امت وسط در پرتو اسلام را سازماندهی حنیفیه می داند که آنان را در اسلام ادغام کرده است.

موضع پیامبر در مقابل ادیان جزیره العرب، بحث فصل دهم کتاب است. در این فصل به دوران پیغمبر قبل از بعثت و سه دوره در مکه (عهد اول در مکه و تأثیر بر مسیحیت؛ عهد دوم در مکه و تأثیر بر یهود و عهد سوم در مکه، دوران پیشرفت به سوی استقلال دینی) و دو دوره در مدینه (عهد اول تأسیس امت وسط و دفاع مسلح از آن؛ عهد دوم انتشار اسلام با حملات مسلحانه) توجه کرده است.

موضوع فصل مفصل یازدهم کتاب این است که آیا قرآن منابع و مصادری دارد یا نه؟ در این مسأله قابل توجه سه بحث ذکر شده است: بحث اول تصریحاتی است که بنابه ادعای نویسندگان در قرآن هست که از آن به دست می آید که دارای منابع و مصادری بوده است.

دوازده تصریح در آن فهرست شده: تصریح اول: قرآن در زبیرالاولین یعنی در کتاب های آنان بوده است؛ تصریح دوم: ارتباط با اهل کتاب؛ تصریح سوم: تحقیقات کتاب مقدس؛ تصریح چهارم: استشهاد به اهل کتاب؛ تصریح پنجم: اهل کتاب قرآن را مثل فرزندان شان می شناسد؛ تصریح ششم: قرآن تفصیل کتاب است؛ تصریح هفتم: قرآن اعتراف می کند که کتاب در مقابلش (امام) بوده است؛ تصریح هشتم: پیامبر باید براساس هدایت کتاب، هدایت کند؛ تصریح نهم: بین ذکر جدید و قدیم نسبتی هست؛ تصریح دهم: بین دین جدید و دین قدیم نسبتی وجود دارد؛ تصریح یازدهم: وحدت ادیان در اعتقاد به خدا به معنای وحدت ارتباط بین ادیان است؛ تصریح دوازدهم: یگانگی کتاب منزل تأکید بر نسبت این کتاب با سایر کتاب های مقدس دارد.

نویسندگان در بحث دوم در مصادر قرآن بین تصریحات قرآن و اتهامات مخالفان که برای قرآن مصدر ذکر می کردند و از آن معنای تزویر و کپی برداری از کتب انبیاء، یا بهره گیری

از نویسندگان یا اساطیر قصد می کردند، فرق جدی قایل شده است و آن تهمت ها را یکی یکی ذکر و دلایل رد آن را آورده است.

بحث سومی که درباره مصادر قرآن آمده است مربوط به کیفیت تنزیل قرآن است که انزل بعلم الله، بنای آن بوده و از واسطه وحی نازل شده است. طبعاً این، دلیل جدی آن است که قرآن از سوی خدا آمده است. فصل دوازدهم کتاب تاریخچه گردآوری و حفظ قرآن است که تحت عنوان معجزه حفظ قرآن از آن یاد و در آن مباحث تاریخی معروف جمع آوری قرآن که در کتب علوم قرآنی هست، جمع شده است.

در خاتمه این کتاب، نویسنده به چند بحث توجه کرده است: ترجمه کتاب و انجیل به عربی قبل از نزول قرآن؛ امی بودن پیامبر بنابه آیات قرآنی و احادیث؛ تأثیرات منفی و مثبت کتاب مقدس بر مباحث محیطی قرآن؛ توحید فلسفی کتابی در شرق و توحید فلسفی افلاطونی جدید و توحید اهل مکه که با توحید اسلامی نزدیک بوده است.

۳. اطوار الدعوة القرآنیة

جلد سوم این مجموعه با عنوان «اطوار الدعوة القرآنیة» است که به تفصیل سیر تطور دعوت به اسلام در قرآن را به بحث نهاده است. نویسنده در مقدمه، سیر دعوت قرآن را به ۵ قسمت تقسیم کرده: اول عهد اولیه مکی را یاد کرده که به اعتقاد وی در این عهد سوره های کوتاه، با پیام های سریع و وعد و وعید به آخرت با استفاده از عادات محیط جامعه عربی آن روز نازل شده است. در عهد میانی مکه که نویسنده آن را با عنوان «عهدالمکی الوسیط» نام گذاری کرده است، دورانی است که جمعی به حبشه و جمعی به طائف هجرت کرده اند. در این دوره که پیامبر بر جو مسلط شده بود، عنصر جدیدی محور سور قرآنی می شود و آن قصص قرآن از سیره انبیای گذشته و استفاده از آن برای عبرت دیگران در دعوت به توحید است. دوره پایانی مکه بین هجرت به طائف و هجرت به مدینه است. این، دوره ای است که پیامبر در فکر استقلال طائفی و ملی مسلمانان است. در این دوران قرآن از مثال هایی که انجیل از آن استفاده می کند بهره می گیرد.

بعد از این سه مرحله، دوره مدینه آغاز می شود. مدینه دورانی است که اسلام از دعوت دینی به دولت دینی مبدل می گردد و طبعاً آیات قرآن از دعوت به دین، به دعوت به دولت تغییر یافته است. آیات مدنی عمدتاً در فکر تجدید بنای دولت دینی است و در داخل این دولت ارکان اسلام مشخص می شود، شریعت اندک اندک شکل می گیرد و در خارج از آن، جنگ های مقدس و جهاد پدید می آید.

نویسنده در مدینه، نزول قرآن را در دو بخش بررسی کرده است: عهد اول مدینه عهد دفاع مسلح است که قرآن مستقل از اهل کتاب، امت وسط را بین اهل کتاب و مشرکان بنا می‌گذارد. در عهد دوم مدینه، دولت اسلام تأسیس می‌شود. به همین مناسبت هجوم مسلح به همه جبهه‌ها آغاز می‌گردد و از صلح حدیبیه تا وفات پیامبر استمرار دارد.

بعد از این مقدمه که دعوت قرآن بر ۵ بخش تقسیم شده است، نویسنده دروس قرآنیه فصل اول کتاب «اطوار الدعوة القرآنیة» را به ترتیب تاریخی قرآن اختصاص داده و در آن ضوابط ترتیب تاریخی قرآن و مراتب و تفاوت‌های تاریخی مسلمانان و تفاوت آرای تاریخ نگاران مستشرق و تاریخ نگاران مسلمان را بررسی می‌کند.

فصل دوم کتاب درباره نظم قرآن است. در این فصل مهم‌ترین دلیل اعجاز قرآن را در اعجاز بیانی آن می‌داند و آن را قسمت اصلی تکمیل‌کننده اعجاز محتوایی قرآن می‌شمارد. بحث دومش در مورد کیفیت تنزیل وحی است. این بحث را مطرح می‌کند که آیا لفظ قرآن نازل شده و یا معنای آن و در آن دیدگاه‌های مختلف علمای اسلام را نقل کرده است. در این نظرات جمعی معتقدند لفظ بر جبریل نازل شده است و گروهی دیگر اعتقاد دارند معنا نازل شده است و او برای آن، لفظ انتخاب می‌کرده است و عده دیگری بر این نظرند که معنا بر پیامبر نازل می‌شده است و حضرتش لفظ انتخاب می‌کرده است و نتیجه گرفته که هیچ یک از این نظرات منافی نظریه اعجاز نیست، زیرا یا این کلام اعجاز خداست و یا اعجاز پیامبر خدا که از منبع الهی مدد گرفته است.

بحث زبان قرآن بحث سوم نویسنده است. در این فصل وی اعتقاد دارد زبان قرآن، زبانی است که پیامبر با آن سخن می‌گفته است و آن زبان عربی قریش است و نظرات علمای اسلامی را نقل کرده است که در قرآن از ۵۰ زبان، لغت وجود دارد و برای اثبات نظریه خود دلایل زبان شناختی آورده که از نظر صرف، نحو و قواعد زبان، آیات قرآنی با ادبیات قریش تطابق دارد روابط آیات و سوره‌ها و کیفیت نزول و تألیف قرآن بحث چهارم از فصل مربوط به بحث نظم قرآن است.

در بحث پنجم اعجاز در نظم قرآن، به ۶ مسأله توجه کرده است: اول: در معرفت وجوه و نظایر؛ دوم: در ضمایر و توجه به تأنیث و تذکیر؛ سوم: در مقدمه و مؤخره‌های جمله‌ها؛ چهارم: در عام و خاص؛ پنجم: در مجمل و مبین؛ ششم: استفاده از جملاتی که به ظاهر تناقض فهمیده می‌شود ولی معانی واحدی بر آن حاکم است و هفتم: آیات متشابهات. مسأله محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، هنرنمایی قرآن در اسلوب نظمی که انتخاب کرده، بحث‌های ششم، هفتم و هشتم مربوط به نظم قرآن است. در بحث اسلوب نظم، نویسنده به سوره‌های موزون

که از روش آهنگین (موزیکال) شعری استفاده شده، اشاره دارد. سپس این بحث طرح شده است که آیا در قرآن شعر هست یا نه.

در پایان بحث مربوط به نظم منطقی آیات، خاتمه ای ذکر شده که در مورد اعجاز بین انجیل و قرآن است و در آن آمده است: انجیل تنها از اعجاز معنوی برخوردار است، ولی در لفظ کسی ادعای اعجاز برای آن نکرده است.

در فصل سوم نویسنده، عهد اول مکه را بنابه تقسیم تاریخی که اعتقاد دارد و به آن اشاره شد، سال های ۶۱۰ میلادی (بعثت) تا ۶۱۵ میلادی (هجرت مسلمانان به حبشه) می داند.

وی ۲۶ سوره مربوط به این دوران را فهرست کرده و روح هر سوره را در یک تعبیر آورده است و اعتقاد دارد این سوره ها همگی به پیام های کوتاه و وعد و وعید به آخرت برگرفته از عادات محیط جامعه عربی اختصاص دارد که در هریک از این سوره ها علاوه بر عناوین کلی، جزئیات موضوعات این سوره ها را هم آورده است.

وی که عهد اول را، عهد مسیحی نام داده است، معتقد است پیامبر و قرآن در فصل اول از حیات و نزول به آداب و سنت های مسیحی بسیار اهمیت می داده اند. به عبارت وی دعوت قرآن در این دوره بسیار به دعوت مسیحیت نزدیک تر از سایر دوران است، زیرا: اولاً خود پیامبر تا قبل از بعثت، به تعبیر نویسنده، حنیفیه کتاب مسیحیت بوده است. ثانیاً دعوت قرآن در دوران اولیه از نظر موضوعات دعوت مسیحی است، مثل اصلاحات اجتماعی که عمدتاً مثل دعوت مسیحی اخلاقی است و یا این که مانند دعوت مسیحی، قرآن در این دوران بسیار بر قیامت تأکید می کند. ثالثاً دعوت قرآن در دوران اولیه از نظر شکلی دعوتی مسیحی است، مانند دعوت قرآن به زهد، توبه، یا نماز؛ رابعاً وقایعی که در این دوران محور استفاده قرآن است وقایعی است که به نوعی مسیحیت در آن مطرح است، مانند استشهاد به نصاری نجران در سوره بروج، پیروزی رومی ها (که اهل کتاب بوده اند) بر فارس در سوره روم، خبر تولد حضرت مسیح و ماجرای حضرت مریم در سوره مریم و یا این که در اولین حادثه تاریخی، هجرت مسلمانان به حبشه مسیحی است. بنابراین دوران اول مکه پیامبر به عهد مسیحی (بنابه تعبیر نویسنده) نام می گیرد.

دوران دوم مکه، دورانی است که به تعبیر نویسنده، قرآن بر توحید محض و همراه تعابیر تند و سخت تر تأکید دارد و نام آن را عهد اسرائیلی گذاشته است. در این دوران که قرآن توانسته مسیحیت را با خود همراه کند، دایره را وسیع تر می کند و به تورات و آیات و قصص مقبول یهودیان استناد می کند. در بخش اول این دوره، آیات قرآن، فترت انتقال بین انجیل و تورات را می گذراند و سوره های قمر، ص، اعراف، جن، یس، فاطر و مریم را

شاهد مثال می‌آورد. قسمت دوم این دوره، قسمتی است که قرآن قصص موجود در تورات را ذکر کرده است. در این فصل نیز نویسنده به ۲۱ سورهٔ مکی توجه کرده است و در ذیل هر سوره، نمونه‌های مورد نظر خود را ذکر و آن را دلیل اثبات بحثش دانسته است.

وی در تعلیقی که بر این دوران دارد ویژگی‌های دورهٔ دوم را این مسایل می‌داند: ویژگی اول در این دوران، نام قرآن در کنار نام کتاب آمده است. ویژگی دوم این دوران، دورهٔ دعوت به توحید خالص است و به این مناسبت بحث‌های دلایل توحید در قرآن، توجه قرآن به وجدان در استدلال توحیدی، آیا دلایل توحید از متشابهات قرآن است؟ آیا علوم تکوینی قرآنی از متشابهات است؟ را یاد کرده است.

ویژگی سوم این که: قصص قرآن در این دوران نازل شده است. نویسنده به مناسبت بحث قصص قرآن به این موضوعات توجه کرده است: هدف نقل قصص قرآنی، اسلوب قصص قرآن، تکرار و اعجاز در قصص قرآن، هدف نقل قصص قرآنی تاریخ است یا تمثیل، رابطهٔ قصص قرآنی با محیط اجتماعی عربی و اهل کتاب دوران خودش، آیا قصص قرآن از متشابهات است؟ و آیا در قصص قرآن تعارض هست یا نه؟

دوران سوم مکه، دوران عهد وسط است که سوره‌های قرآنی این دوره بخشی مربوط به فتنهٔ ارتداد از اسلام در مکه و قسمتی مربوط به آخرین انذار به دروغگویان است که نویسنده به شیوهٔ خودش در بخش ارتداد از اسلام به ۹ سوره اشاره و عناوین و موضوعات آن را استخراج کرده و در قسمت مربوط به انذار مکذبین، ۱۱ سوره را بر همان شیوه ذکر کرده است.

در تعلیقاتی که نویسنده، به عهد سوم وارد کرده است، سه چهره برای این دوران قایل شده است: تبدیل شدن مسلمانان به امت توحید، بررسی استقلال از اهل کتاب، توجه به مثل و امثال در قرآن.

نویسندهٔ مسیحی کتاب، بعد از این که بررسی سوره‌های این سه دوران مکه را به تفصیل و با تعلیقات به پایان می‌رساند، نظریات عمومی خود را دربارهٔ قرآن مکی به عنوان نتیجه‌گیری ذکر می‌کند. وی معتقد است قرآن مکی در مصادر، موضوعات، طریقهٔ دعوت، اسلوب و شیوهٔ جدل و گفت‌وگو دقیقاً بر شیوهٔ انجیل مبتنی است. نیز اعتقاد دارد دعوت قرآن در مکه ساده نه لاهوتی؛ عملی نه فلسفی؛ اصلاحی نه انشایی؛ اخلاقی نه قانون‌گذارانه یا عقایدی است.

همچنین مسألهٔ درس خواندن پیامبر؛ قرآن اسلوبی جدید در نبوت و معجزه؛ شخصیت والای پیامبر در مکه؛ پیامبر و وحی؛ رسالت و رسول در مکه، از موضوعاتی است که در خاتمهٔ دوران مکه به آن اشاره شده و در آخر نتیجه‌گیری کرده است قرآن مکی، تعریب توحید انجیل است! بنابراین تقسیم مؤلف، دوران مدینهٔ پیامبر و سیر نزول قرآن در آن دوران، به دو فصل

تقسیم می‌شود: دوران اولیهٔ مدینه (عهد امت وسط) و دوران دوم مدینه (عهد اسلامی).

در این فصل، نویسنده اعتقاد دارد هجرت، انقلابی بوده است که در زندگی شخصی پیامبر اسلام و در سیرهٔ رسالت انجام شده است. بعد از آنکه اسباب هجرت را برمی‌شمارد و به مشکلات جدید پیامبر با مدنیان اشاره دارد، به آثار هجرت در رسول و رسالت پرداخته و در این موارد بحث کرده است: ۱. هجرت، انقلابی بوده است در سیرهٔ شخصی پیامبر، ۲. وحی و تنزیل و شیوهٔ دعوت، ۳. تبدیل شدن دین به دولت، ۴. طریقهٔ دعوت، ۵. استقلال از اهل کتاب، ۶. تأسیس دین اسلام به عنوان امت وسط. هر یک از این عناوین شش‌گانه موضوع بحث مستقلی است که نویسنده دلایل و نظرات خود را دربارهٔ آن ذکر کرده است.

بعد از این مقدمه دربارهٔ هجرت، مؤلف کتاب دروس قرآنی، اسلوب قرآن مدنی و ویژگی‌های آن را در اسلوب نظم جدید؛ اسلوب تشریح و قانون‌گذاری؛ اسلوب تاریخ‌نگاری؛ اسلوب جدال و گفت‌وگو در قرآن مدنی می‌داند و در پایان مباحث مقدماتی، نقشهٔ سوره‌های قرآنی در عهد مدنی (۶۲۲ میلادی تا ۶۳۲ میلادی) را به این شکل ترسیم می‌کند:

عهد اول مدنی اولاً دوران تأسیس امت وسط است (شروع آن از ۱۲ ربیع‌الاول مساوی با پاییز ۶۲۲ میلادی و پایان آن در ۱۷ رمضان سال دوم هجری، مساوی با آذار (مارس) ۶۲۴ میلادی) که برای این موضوع سورهٔ بقره نازل شده است.

ثانیاً عهد اول مدنی دوران صمود و استحکام قریش است که در آن حنفیت اهل کتاب قوت می‌گیرد. (این دوره از بدر در آذار (مارس) ۶۲۴ میلادی شروع و با جنگ خندق در شوال سال پنجم هجری آذار (مارس) ۶۲۷ میلادی پایان می‌پذیرد).

سوره‌های انفال، آل عمران، حشر، نساء، محمد و احزاب مربوط به این دوران است.

ثالثاً در عهد اول مدنی، اسلام از دوران دفاعی به دوران هجوم منتقل می‌شود (شروع از جنگ خندق در آذار (مارس) ۶۲۷ میلادی تا حوالی فتح حدیبیه در سال ۶ هجری آذار (مارس) ۶۲۸ میلادی).

سوره‌های طلاق، بینه، منافقون، مجادله، نور مربوط به این عهد است.

عهد دوم مدنی، دورانی است که می‌توان آن را عهد اسلامی نام‌گذاری کرد.

در این دوره، اسلام با هجوم مسلحانه نشر می‌یابد و پیامبر اسلام (احمد) نصارا را به کلمهٔ سواء می‌خواند، در نتیجه اولاً فتح حدیبیه و شمال حجاز اتفاق می‌افتد (سال ۶ هجری، ۶۲۸ میلادی) و ثانیاً مکه و جنوب حجاز فتح می‌شود (رمضان ۸ هجری، کانون الثانی (ژانویه) ۶۳۰ میلادی) و ثالثاً جزیرهٔ عربی در یمن و شمال در اختیار مسلمانان قرار می‌گیرد (۶۳۱ و ۶۳۲ میلادی) که سورهٔ توبه و نصر مربوط به این دوران است.

در عهد اول مدنی، تأسیس امت وسط صورت می پذیرد و سوره بقره آن را تبیین می کند که قسمت اول این سوره، به دعوت برای تأسیس امت وسط اختصاص پیدا کرده است و در قسمت دوم سوره بقره، شریعت و قانون امت وسط ترسیم می گردد و در قسمت سوم، جهاد در راه امت وسط که نویسنده به هر یک از این مباحث، به تفصیل توجه کرده است. قدرت گرفتن قریش و تقویت یافتن امت وسط بنا به ادعای نویسنده در قسمت هایی از سوره های انفال، آل عمران، حشر، نساء، محمد و احزاب در نظر است.

انتقال دفاع به هجوم، در سوره های طلاق، بینه، منافقون، مجادله و نور بحث شده است. معنای امت وسط: میانه بودن اسلام بین یهود و مسیحیت است و اسلام در عقیده و شریعت (ارکان احوال شخصی، اخلاق، خطیئه و کبایر و شرک)، تصوف و عزلت بر وسطیت تأکید دارد.

این ها عناوین بحث های دیگری در فصل دهم کتاب «اطوار الدعوة القرآنیة» است. جهاد به خاطر حمایت امت و دولت، بحث دیگر نویسنده به مناسبت خصوصیات عهد اول پیامبر در مدینه است. وی در این بحث به تسریع جهاد (هدف از جهاد که خاضع کردن عرب در مقابل دولت اسلامی بود)، سیاست و دین اشاره دارد.

بحث دیگر در این دوران این که: عهد مدنی، عهد تشریح و قانون گذاری در قرآن است و رابطه پیامبر با یهود آخرین بحث دوران اول پیامبر در مدینه در نوشته استاد یوسف الحداد است. دوران دوم مدینه که نویسنده آن را دوران اسلامی نامیده است، دورانی است که هیبت اسلام ابتدا به خاطر صلح حدیبیه و شمال حجاز قوت می گیرد. (بحثی از سوره های حج، تحریم، تغابن، جمعه، فتح، حجرات، ممتحنه و صف به شکل گیری این دوران اشاره دارند).

پس از آن فتح مکه و به دنبال آن جنوب حجاز است که در بخش هایی از سوره های حدید و مائده، به تشریحات بعد از فتح مکه و مجادله با نصاری نجران و دعوت به کلمه سواء اختصاص پیدا کرده است.

مرحله نهایی نیز با فتح جزیره از یمن تا شمال تکمیل می گردد که به تفصیل و با اشاره به آیات مربوط به این حوادث، نویسنده سعی در اثبات دیدگاه تاریخی خود را کرده است. در عهد اسلامی به اعتقاد نویسنده، دعوت قرآن حالت قوم گرایی عربی پیدا می کند و همزمان چهره پیامبر این دوران چهره مبشر است که در زندگی عمومی و خصوصی و حتی زندگی جهاد و جنگی امت عرب حالت تبشیری دارد. هر یک از این مباحث نیز عنوان فصلی از کتاب است.

فصل چهارم با تاریخ مرگ پیامبر ﷺ و ذکر حوادث بعد از آن و نقش قرآن در آن حوادث پایان می‌یابد.

فصل الخطاب کتاب در خاتمه آن آمده است که نویسنده پرکار، پس از آن که بیش از ۱۰۵۰ صفحه فقط درباره رابطه قرآن و کتاب نوشته، به چند بحث اشاره دارد: ۱. محیط اندیشه پیامبر با محیط اندیشه کتاب مقدس وحدت دارد. ۲. قرآن و انجیل به عربی در زمان پیامبر اسلام ترجمه شده بود. ۳. محمد ﷺ پیامبر اسلام در ارتباط دایم با اهل کتاب بود و دانشمند بزرگ مسیحی ورقه بن نوفل (بنابه ادعای نویسنده) پیامبر را با حقایق انجیل آشنا می‌کرد. ۴. شخصیت پیامبر، شخصیت غیرقابل وصفی است. او در سیاست، دیپلماسی، نظامی‌گری، اداری، قانون‌گذاری و ادبیات، قهرمان بود. برای هر یک از عناوین فصلی اختصاص یافته است. ۵. از مهم‌ترین دلایل موفقیت پیامبر، اخلاق فوق‌العاده اوست. ۶. فطری بودن مفاهیم قرآن به گسترش آن کمک فراوانی کرد. ۷. ویژگی‌های اختصاصی قرآن که در کتاب مقدس نیستند (وسطیت، تأسیس دین و دولت به طور همزمان، تأسیس و نشر از راه جهاد) و نهایتاً این که قرآن کتاب توحید خالص است.

۴. نظم القرآن و الکتاب

«نظم القرآن و الکتاب، اعجاز القرآن» نام جلد چهارم از سلسله کتاب‌های دروس قرآنی است که در ۲۰۸ صفحه، انتشارات البولسیه لبنان آن را نشر داده است و چنانچه از نام اثر پیداست به مسأله اعجاز در الفاظ قرآن اختصاص دارد.

این کتاب با جمله‌ای از حنا الفاخوری آغاز شده که می‌گوید: استاد یوسف الحداد در این کتاب به مسأله مهمی رسیده و آن این که اعجاز مسأله‌ای فراگیر است که انجیل و تورات هم، قبل از قرآن معجزه بودند و قرآن آمده تا مصدقاً لما بین یدیه (مأثده/ ۵/ ۴۶) باشد. در این کتاب، نویسنده ابتدا به تاریخ کلام «اعجاز قرآن» اشاره دارد و در آن دیدگاه فرقه‌های اسلامی درباره اعجاز را یاد می‌کند و می‌افزاید که اعجاز از علوم مستحدثه است. در بخش پایانی فصل اول، کتب مربوط به اعجاز در طول تاریخ را فهرست کرده است.

فصل دوم کتاب به این مهم پرداخته که اولاً اعجاز بیانی تنها اعجاز قرآن نیست، بلکه موضوعات قرآن نیز اعجاز است و ثانیاً هنرهای زیبا در نظم و بیان قرآن رعایت شده است. فصل سوم این کتاب درباره کیفیت وحی است که آیا با لفظ است یا با معنی.

چهارمین فصل، به زبان قرآن اختصاص دارد و در آن دو فصل آمده: یکی این که فرق زبان قریش و زبان نجد و این که قرآن با عربی قریش نازل شده و اشاراتی به جملات قریش

در مقابل جملات نجدی که در قرآن هست، فصل پنجم کتاب درباره شیوه نزول قرآن و آن این که چگونه با فاصله های مختلف زمانی نازل شده و چه ارتباطی بین آیات و سوره های مختلف قرآن وجود دارد.

در فصل بعدی، نویسنده به شیوه بیان قرآن پرداخته و در آن شکل های خطابات قرآنی، مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، حصر و اختصاص، ایجاز و اطناب، خبر و انشاء و اعجاز بیان عربی در قرآن را جداگانه بررسی کرده است و درباره هر یک نمونه هایی آورده است. بحث این که آیا اعجاز در تورات و انجیل هم هست، عنوان فصل دیگری از کتاب است. در فصل هشتم، اعجاز در نظم قرآنی تحت بررسی نویسنده است که در آن به مسأله تقدم و تأخر، عام و خاص، مجمل و مبین، اختلاف و تناقض و آیات متشابه، هر یک جداگانه و در فصلی اختصاصی پرداخته است.

محکم و متشابه، غریب قرآن در مفردات و در ضمایر و افراد و نظایر و ترکیب جملات و تعابیر، موضوعاتی است که در فصل های دیگر کتاب اعجاز قرآن بحث شده است و پس از پرداختن به مسایلی مانند اسلوب نظم قرآن و هنرهای نهفته در آن، فواصل قرآن، اسرار حروف رمز ابتدای بعضی سوره ها و تأثیرات دوران های مختلف دعوت بر اسلوب قرآن، نویسنده درباره اصل اعجاز در قرآن بحث می کند و به معنی آن از دیدگاه های گوناگون توجه و عنایت می ورزد.

آخرین فصل از مجموع کتاب های دروس قرآنی، اعجاز در انجیل و قرآن نام دارد. وی در این فصل معتقد است: ۱. قرآن و انجیل هر دو تحدی به اعجاز کرده اند. ۲. این تحدی را همه شنیده اند و نتوانسته اند به آن پاسخ دهند. ۳. اعجاز در اعمال و اقوال در هر دو کتاب هست و نهایتاً نظرات استاد محمود العقاد را درباره اعجاز انجیل آورده و در پایان به این نتیجه رسیده که «فرقان»، یعنی مجموعه کتاب های الهی، معجزه هستند.

بی گمان خواننده مسلمان با برخی از تحلیل ها و نیز نتیجه گیری های حداد، همسوی نخواهد بود. کتاب حداد از سوی متفکران اسلامی به نقد و بررسی نیز نهاده شده است و آثاری درباره آن سامان یافته است که به برخی از آنها در شماره های آینده خواهیم پرداخت، اما مطالعه کتاب برای پژوهشیان قرآنی و اطلاع از چگونگی پژوهش درباره قرآن، با نگاهی بیرونی سودمند تواند بود.

